

ساختمانِ خطِ تاجیکی

حبیب برجیان

منظور از خط تاجیکی خطی است با الفباهای لاتینی و سیریلیک که در شصت هفتاد سال اخیر زبان فارسی در جمهوری تاجیکستان به آن کتابت می‌شده است. طی سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۴۰، خط لاتینی و، سپس، خط سیریلیک (روسی)، در جمهوری تاجیکستان، به رسمیت شناخته شد و به کار رفت. در سال‌های پس از استقلال (۱۹۹۱)، این نظر پیدا شد که خط فارسی جانشین خط روسی شود؛ اما، به‌رغم کوشش هواداران آن، خط سیریلیک هم‌چنان رایج و متداول است.^۱

تفاوت دو خط لاتینی و سیریلیک تاجیکی در شکل حروف الفباست، وگرنه این دو خط در ساختار فرق اساسی با هم ندارند. در خط سیریلیک تاجیکی دو تجدید نظر در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۷۳ صورت گرفت^۲ که بیشتر، بر پیوسته یا جدانویسی برخی کلمات و عبارات ناظر بود تا بر اصول کلی خط. در مقاله حاضر ساختمان و ویژگی‌های خط تاجیکی در مقایسه با خط فارسی

۱) ← مقاله نگارنده: «تجربه تاجیکستان در تغییر خط فارسی»، ایران‌شناسی، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰-۱۸۲؛ Jirí Bečka, "Problème de l'écriture au Tadjikistan", in *Pand-o Sokhan: Mélanges offerts à C-H. de Fouchécour*, Téhéran 1995, pp. 43-51

۲) اصلاحات در دو جزوه به نام قاعده‌های اساسی املاي زبان ادبي تاجیک (دوشنبه ۱۹۵۳ و ۱۹۷۳) منتشر شد. بر مبنای هر یک از این دو جزوه، فرهنگ راهنمایی برای دانش‌آموزان تدوین شد: لغت آرتاگرافی [orthography] (دوشنبه ۱۹۵۹) حاوی ۱۶ هزار لغت و عبارت؛ عبدالقادر مَنیاؤف و عبدالستار میرزائف، لغت املا (دوشنبه ۱۹۹۱) حاوی ۳۰ هزار لغت و عبارت. همه تألیف‌های تاجیکی مورد اشاره این مقاله به خط تاجیکی است.

بررسی می‌شود^۳. برای نشان دادن صورت مکتوب تاجیکی، از الفبای لاتینی تاجیکی، که در دهه ۱۹۳۰ رایج بود، استفاده می‌شود^۴. تفاوت املاهای لاتینی و سیریلیک در جای خود یادآوری خواهد شد. از آنجا که این بررسی در چارچوب خط و زبان فارسی است، از اصطلاحات زبان‌شناسی بی‌نیاز می‌شویم و همان اصطلاحات آشنای فارسی-کسره و ضمه و فتحه، الف و همزه، یاء و واو معروف یا مجهول و جز آن- را به کار می‌بریم. در گفت‌وگو از اصالت مصوت‌های معروف و مجهول، به تلفظ اصیل فارسی دری و پهلوی توجه خواهد شد.^۵ این تحقیق بر استقرای چندین ساله نگارنده از کتاب‌ها و مطبوعات تاجیکستان و نیز مراجع زیر مبنی است: فرهنگ زبان تاجیکی (۲ جلد، مسکو ۱۹۶۹)،^۶ قاعده‌های اساسی املاي زبان ادبی تاجیک (دوشنبه، ۱۹۷۲) و لغت املا (دوشنبه، ۱۹۹۱). کلمات روسی دخیل در فارسی تاجیکی بیرون از مبحث حاضر است.

۱ الفبا

الفبای سیریلیک و لاتینی تاجیکی در جدول ۳ خلاصه شده است.

۱-۱ الفبای لاتینی تاجیکی، در سال‌های آخر رواجش، ۳۱ حرف داشت. برای آوایی که متناظر آنها در خط لاتینی وجود ندارد (ج، ش، ژ، مصوت‌های بلند)، با افزودن نشانه‌ای بر حروف موجود لاتینی، پنج حرف تازه ساخته بودند. حرف تازه‌ای نیز برای «غ» وضع شده بود.

۲-۱ الفبای سیریلیک تاجیکی ۳۹ حرف، یعنی ۸ حرف بیش از الفبای لاتینی

۳) تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون، چنین مطالعه‌ای صورت نگرفته است. آنچه درباره خط و املا در تاجیکستان منتشر شده در جهت ترویج نگارش صحیح بوده و برای کسانی فراهم آمده که با خط فارسی آشنایی نداشتند.

۴) به جز دو مورد زیر: q نشانۀ غ؛ b به جای B (کوچک) که به شکل B (بزرگ) اما ریزتر نوشته می‌شد.

۵) مرجع این مقاله در تلفظ پهلوی کلمات:

D. N. MacKenzie, *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, 1971.

۶) این فرهنگ به ضبط تلفظ قدیم کلمات گرایش دارد، گو این که زبان زنده از نظر مدونان آن پوشیده نمانده است در استفاده از آن، به این امر توجه شده است. ← مقاله نگارنده

"Farhang-e zabān-e tājīkī", *Encyclopaedia Iranica*, vol. 8, forthcoming.

تاجیکی، دارد. از این ۸ حرف، ۳ حرف ویژه کلمات مأخوذ از روسی است و در سال‌های اخیر از رواج افتاده است. پنج حرف دیگر را نیز این روزها کمتر به کار می‌برند زیرا به آنها نیازی نیست. وجود این حروف در الفبای تاجیکی از آن جاست که واضعان خط می‌خواسته‌اند کلیه حروف الفبای روسی را در یافت خط تاجیکی به مصرف برسانند (← ۵). در این خط نیز ۶ حرف تازه (ج، غ، ق، ه، و دو مصوت بلند)، با افزودن نشانه بر حروف متعارف روسی، وضع شد.

۲ صامت‌ها

در جدول ۲ صامت‌های لاتینی و سیریلیک تاجیکی و فارسی با هم مطابقت داده‌اند.

۱-۲ حروف z, t, s, h و '، هر کدام، بر بیش از یک نشانه صامت الفبای فارسی دلالت دارند. بدین سان، خط تاجیکی هشت نشانه صامت کمتر از خط فارسی دارد.

۲-۲ چون در لهجه تاجیکی تلفظ ق باغ فرق دارد، برای هر کدام حرف جداگانه‌ای اختیار شده است.

۳-۲ علامت «'» نماینده ع/همزه در وسط یا آخر کلمه است: ra's (رأس)، qur'a (قرعه)، a'mol (اعمال)، çuz' (جزء)، tab' (طبع).

۱-۳-۲ هرگاه ع/همزه در اول کلمه یا میان دو مصوت قرار گیرد، در خط تاجیکی نوشته نمی‌شود: amal (امل، عمل)، maorif (معارف)، taarruz (تعرض)، said (سعید)، manbai ob (منبع آب).

۴-۲ تشدید صامت آخر معمولاً به کتابت در نمی‌آید: xat (خط)، sir (سیر). اما، در ترکیب، کتابت حرف مشدد منوط به سنت تلفظ است: xati rost (خط راست)، xatu xol (خط و خال)، kitobi xatti (کتاب خطی)، sirri nihon (سر نهان).

۵-۲ خوشه صامت nb، به رغم تلفظ آن (/mb/)، همان nb نوشته می‌شود: anbar (عنبر).

۳ مصوّت‌ها

در جدول ۲، دستگاه مصوّت‌های تاجیکی، هم در خط و هم در تلفظ، با فارسی کنونی ایران (تهران) و فارسی کلاسیک/پهلوی مطابقت یافته است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در تلفظ، فارسی تاجیکی به فارسی کلاسیک نزدیک‌تر است تا به فارسی رسمی ایران. در خط تاجیکی، نشانه‌های a و o و ī و ē هر یک نماینده مصوّت مستقلی است. اما نشانه‌های u و i هر کدام نماینده دو مصوّت کوتاه و بلند است (بنگرید به زیر) که کیفیت ادای آنها متشابه است؛ اما کشش (امتداد) آنها با هم فرق دارد.^۷ سبب عدم تفکیک مصوّت‌های بلند و کوتاه در خط ظاهراً صرفه‌جویی در کاربرد علامت «-» در بالای حرف میانی بوده است.^۸

۱-۳ a = فتحه، های بیان حرکت: arbada (عربده).

۲-۳ o = الف کشیده (آ/ا): obodon (آبادان).

۳-۳ u = ضمّه، واو معروف.

۱-۳-۳ ضمه: ulfat (الفت)، uzv (عضو)، buzurg (بزرگ).

۲-۳-۳ واو معروف:

در کلمات عربی: umum (عموم)، ur (عور)، amud (عمود).

در کلمات فارسی: zud (زود)، farmud (فرمود)، sutun (ستون).

در آخر کلمه: bonu (بانو)، tarozu (ترازو)، çodu (جادو)، doru (دارو)، zonu (زانو)^۹، olu (آلو)، kadu (کدو)، moku (ماکو).

۳-۳-۳ ابدال واو مجهول اصیل به u: uftod (اوفتاد)^{۱۱}، edun (ایدون)^{۱۲}، berun (بیرون)^{۱۳}، xun (خون)^{۱۴}، du (دو)^{۱۵}، sutur (ستور)^{۱۶}، menu (مینو)^{۱۷}.

۷) بر خلاف فارسی رسمی ایران که، در آن، e با ī و o با ū جز تفاوت کمی (کشش)، فرق کیفی نیز دارند، یعنی مخارج آنها متفاوت است.

۸) در آخر کلمه، یای معلوم به صورت ī نوشته می‌شود.

۹) الف کشیده در فارسی تاجیکی کمابیش همان تلفظی را داراست که در ایران رایج است، نهایت آن که عموماً قدری گردتر ادا می‌شود.

۱۰) این کلمات در پهلوی به ūg- ختم می‌شوند.

۱۱) در پهلوی: ōftād (۱۲) در پهلوی: ēdōn (۱۳) در پهلوی: bērōn (۱۴) در پهلوی: xōn

۱۵) در پهلوی: dō (۱۶) در پهلوی: stōr (۱۷) در پهلوی: mēnōg

- ۳-۳-۳ ابدال به /x^v/ xud (خود)^{۱۸}، xuš (خوش)^{۱۹}. برای موارد استثنا ← ۳-۴-۳
- ۴-۳ \bar{u} = واو مجهول. خط تاجیکی اصالت واو مجهول را در بیشتر کلمات نشان می دهد^{۲۰}:
- u (او)، bür (بور)، būston (بوستان)، bū(j) (بوی)، pūst (پوست)، pūšok (پوشاک)، çorüb (چاروب)، çü(j) (جوی)، cüb (چوب)، düxt (دوخت)، rūfturüb (روفت و روب)، rū(j) (روی)، šü(j) (شوی)، guftugū (گفت و گو)، gulū (گلو)، gū (گو)، gūšt (گوشت)، mū(j) (موی)، rūz (روز).
 نیز در: būta (بوته)، būsa (بوسه)، kūtoh (کوتاه)، zanbūr (زنبور).
- ۳-۴-۳ در هجاهای بسته مختوم به /h/ یا // (یعنی پیش از ه، ح، ع یا همزه ساکن) به جای u (ضمه، واو معروف) \bar{u} نوشته می شود^{۲۱}: ū'çuba (اعجوبه)، anbūh (انبوه)، zūhra (زهره)، sūhbat (صحبت)، tulū' (طلوع)، ūhda (عهده)، mū'tabar (معتبر)، nūh (ئه). هر گاه، به موجب پسوندی، نشانه «'» حذف شود ← ۲-۳-۱، \bar{u} باقی می ماند: tulūi oftob (طلوع آفتاب).
- ۳-۴-۳ به جز آنچه در بند پیشین آمد، کاربرد \bar{u} در آغاز کلمه به لغات مأخوذ از ترکی منحصر می شود: ūrdak (اردک)، ūzbek (ازبک)، ūrdu (اردو).
- ۳-۴-۳ ابدال /x^v/ به /xū^v/: xūça (خوجه)، xūrdan (خوردن)^{۲۲}.
- ۵-۳ = i کسره، یای معروف.
- ۱-۵-۳ کسره: ijolat (ایالت)^{۲۳}، izofa (اضافه)، iona (اعانه)، biraft (برفت)، doim (دائم)، sirışk (سرشک)، foil (فاعل)، kilk (کلک).
- کسره نشانه اضافه: rohi rost (راه راست)، suiqasd (سوء قصد).
- ۲-۵-۳ یاء معروف: به جز چند استثنا، i فقط در وسط کلمه برای نمایش یای معروف

۱۸) در پهلوی: xwad ۱۹) در پهلوی: xwaš
 ۲۰) اما تمایز واو مجهول و واو معروف بیشتر در گفتار فارسی زبانان جلگه فرغانه و نواحی بخارا و سمرقند و جلگه های جنوب تاجیکستان شنیده می شود، آن هم با کیفیتی دیگر (گاه مانند u در زبان فرانسه) و در مواردی کوتاه (ناکشیده).
 ۲۱) ظاهراً به دلیل ویژگی تلفظ.
 ۲۲) در پهلوی: xwardan
 ۲۳) ajolat هم نوشته می شود.

به کار می‌رود^{۲۴}.

pir (پیر)، pil (پیل)، zirak (زیرک)، zist (زیست)، guzir (گزیر)، niz (نیز).

- از جمله در ساختن مادهٔ جعلی فعل: rasid (رسید)، xandid (خندید)^{۲۵}.
- هرگاه کلمه‌ای به *-ī* ختم شود، در صرف یا ترکیب، *ī* به *i* تبدیل می‌شود (← به حرف *ī*).
- در مواردی، یای معروف اول کلمه با *i* نوشته می‌شود^{۲۶}: 'ido' (ایدا)، 'isol' (ایصال)، 'ifo' (ایفا)، 'iqo' (ایقاع)، 'iqon' (ایقان)، 'imo' (ایماء)، 'imon' (ایمان)، 'ihom' (ایهام).
- ابدال یای مجهول اصیل به *i*: bino (بینا)^{۲۷}، pirūz (پیروز)^{۲۸}، sim (سیم)^{۲۹}، kin (کین)^{۳۰}، navid (نوید)^{۳۱}، nim (نیم)^{۳۲}، in (این)^{۳۳}، ist (ایست، است)^{۳۴}، inak (اینک).

از جمله در پسوند صفت نسبی: zarrin (زرین)^{۳۵}

۳-۵-۳ حروف ربط «که» و «چه» را نیز با همین حرف می‌نویسند: ci, ki.

۴-۵-۳ به جای خوشهٔ *ji* (بی) تنها *i* می‌نویسند^{۳۶}: afzoiš (افزایش)، poidan (پاییدن)، naiston (نیستان).

از جمله کسرهٔ اضافهٔ (نشانهٔ اضافهٔ) متصل به مصوت را: xonai mo (خانهٔ ما).

۵-۵-۳ در مواردی *i* را به دو گونهٔ هم معنی می‌توان خواند: digar (دگر، دیگر)، istod (استاد، ایستاد).

۶-۵-۳ نقش دوگانهٔ *i* (کسره و یای معروف) گاه منجر به خطا در خواندن می‌شود: bino (بنا، بینا)، sir (سِر، سیر)، said (سعید، سَید).

۶-۳ *ī* = یای معروف آخر. این حرف فقط در پایان کلمه به کار می‌رود^{۳۷}: xoī (خالی)، tūī (طوطی)، olī (عالی)، mohī (ماهی).

۲۴) برای یای معروف اول و آخر کلمه، ← حروف *c* و *ī*.

۲۵) در پهلوی هم پسوند ماضی جعلی‌ساز *-īd* است.

۲۶) نیز ← ۳-۷-۴.

۲۷) در پهلوی: wēnāg (۲۸) در پهلوی: pērōz (۲۹) در پهلوی: sēm

۳۰) در پهلوی: kēn (۳۱) در پهلوی: niwē; در فارسی دری: nūvēd (۳۲) در پهلوی: nēm

۳۳) در پهلوی: ēn/im (۳۴) در پهلوی: st (۳۵) در پهلوی: zarrēn

۳۶) در خط لاتینی همان *ī* می‌نوشتند. در سال‌های اخیر نیز *ī* می‌نویسند.

۳۷) علت وجودی این نشانه ظاهراً تفکیک میان کسرهٔ اضافه، از یکسو، و پسوند اسم و صفت‌ساز، از سوی دیگر، بوده که در زبان فارسی کاربرد فراوان دارند. با دیدن نشانهٔ *ī* در آخر کلمه خوانندهٔ تاجیک تأکید را بر هجای آخر می‌نهد و بدین‌سان تمایز معنایی حاصل می‌شود؛ مثلاً: róhi mo (راه ما، تکیه بر هجای نخست)، róhī šud (راهی شد؛ تکیه بر هجای آخر).

از جمله در موارد ذیل:

- اسم معنی^{۳۸}: zori (زاری)، serī (سیری).
- برای ساختن صفت^{۳۹}: xonagi (خانگی)، rudakī (رودکی)، forsī (فارسی).
- برای شناسهٔ دوم شخص مفرد^{۴۰}: serī (سیری)، raftaī (رفته‌ای)، raftī (رفتی)^{۴۱}، ravī (روی)^{۴۲}.

۳-۶-۱ به جای خوشهٔ ĩ تنها ī می‌نویسند^{۴۳}: xušbūī (خوش بویی)، zeboī (زیبایی).

۳-۶-۲ هر گاه کلمهٔ مختوم به ī- پسوندی بگیرد، ī به i تبدیل می‌شود، از جمله پسوندهای ذیل:

کسرهٔ اضافه (نشانهٔ اضافه): Rudakii Samarqandi (رودکی سمرقندی)؛

یاء نکره: mohie (ماهی‌ای)؛

علامت جمع: mohiho (ماهی‌ها)؛

علامت مفعول بی‌واسطه: mohiro (ماهی‌را)؛

واو عطف: mohiju moh (ماهی و ماه).

نیز در ترکیب و صرف فعل: sohibof (شاهی باف)، forsizaban (فارسی‌زبان)، zist (زیست)؛ اما: der zī! (دیرزی!).

۳-۶-۳ ابدال یای مجهول اصیل: cī (چی = چه چیز)^{۴۴}، kī (کی)^{۴۵}، شناسهٔ دوم شخص مفرد (← بالا).

۳-۷ e = یای مجهول^{۴۶}. در تلفظ و کتابت فارسی تاجیکی، بیشترین یاهای مجهول حفظ شده است:

beob (بی‌آب)، bed (بید)، reg (ریگ)، zebo (زیبا)، zer (زیر)، mehan (میهن)، veza (ویژه)، seb (سیب)؛ نیز: teppa (تپه)، dareg (دریغ).

۳۸) معادل -ih- پهلوی

۳۹) معادل -īg/-īk- پهلوی

۴۰) این جا ابدال از یای مجهول صورت گرفته. ۴۱) در پهلوی: raft hē

۴۲) در پهلوی: rawē(h)

۴۳) در خط لاتینی همان ĩ می‌نوشتند. در سال‌های اخیر نیز ĩ می‌نویسند. ۴۴) در پهلوی: cē

۴۵) در پهلوی: kē ۴۶) در خط سیریلیک تاجیکی، Ʒ در آغاز کلمه به جای e می‌نشیند.

نیز در پیشوند استمرار: meravad (می‌رود)؛ شناسه اول شخص جمع: ravem (رویم)؛ شناسه دوم شخص جمع: meraved (می‌روید)، oed! (آید!).

۱-۷-۳ یای نکره^{۴۷}: sebe (سیبی)، gohe (گاهی).

در کلمات مختوم به مصوت e نوشته و je خوانده می‌شود: nae (نی‌ای)، mohie (ماهی‌ای)، bue (بویی).

۲-۷-۳ در آخر کلمه: ore (آری)، bale (بلی، بله)، se (سه)، şanbe (شنبه)، ne (نی، نه).

۳-۷-۳ در هجاهای بسته مختوم به /h/ یا /'/ (یعنی پیش از ه، ح، ع یا همزه ساکن) به جای i (کسره، یای معروف) e نوشته می‌شود:

'bade (بدیع)، binch (بنه!)، beh (به)، Tehron (تهران)، deh! (ده!)، dehlez (دهلیز)^{۴۸}، zehn (ذهن)، fe'l (فعل)، me'mor (معمار)، mehr (مهر)، voqe' (واقع).
در آغاز کلمه: e'tilof (ائتلاف)، ehtimol (احتمال)، e'tidol (اعتدال).

○ بنابر این، برخی کلمات را می‌توان به دو گونه هم معنی خواند: deh^{۴۹} (ده، ديه) = روستا]، mehmon (مهمان، میهمان).

○ هر گاه، در ترکیب، هجای بسته به هجای باز برگردد، حرف e هم‌چنان باقی می‌ماند: -bade'-bade (بدیع - بدیعی)، deh-dehot (د-دهات)، hast mone'-monee (مانع - مانعی هست)، mavqe'-mavqei muborak (موقع - موقع مبارک)، voqe'-voqea (واقع - واقعه).

○ اما، در صرف افعال، املاي ماده می‌تواند تغییر یابد: dihiş (ده - دهم، دهش)، neh-menihad, nihod (نه - می‌نهد، نهاد).

۴-۷-۳ در ثبت الف و یای آغاز کلمه گرایش به کتابت e به چشم می‌خورد:

در کلمات فارسی: ec (ایچ)^{۵۰}، edar (ایدِر)^{۵۱}، edun (ایدون)^{۵۲}، Eron (ایران)^{۵۳}، ezor

۴۷) تمایز یای نکره (e) و یای پسوند اسم و صفت‌ساز (i)، هم در خط و هم در تلفظ تاجیکی، آشکار است؛ بر خلاف فارسی ایران که این تمایز با تغییر هجای تکیه‌دار پیدا می‌شود: sohe (شاهی = یک شاه)، şohī (شاهی = سلطنت).
۴۸) dahlez هم می‌نویسند.
۴۹) dija هم می‌نویسند.

۵۰) در پهلوی: ēdār (۵۱) در پهلوی: ēdar

۵۲) در فرهنگ، تلفظ‌های ajdun/ejdun/idun هم ضبط شده. در پهلوی: ēdōn.

۵۳) در پهلوی: Ērān. در سال‌های اخیر، برخی تاجیکان Iron نویسند، به تقلید از لهجه ایرانیان.

(ایزار)، ezid (ایزد) ۵۴، ešon (ایشان) ۵۵، evor (ایوار) ۵۶؛ اما: in (این) ۵۷، inak (اینک)، irmon (ایرمان/ارمان).

در کلمات ترکی: el (ایل)، elci (ایلچی)، elxon (ایلخان)؛ اما: ilgor (ایلگار).
 در کلمات عربی ۵۸: esor (ایثار) ۵۹، eçob (ایجاب) ۶۰، eçod (ایجاد)، eçoz (ایجاز)، erod (ایراد)، ezoh (ایضاح)، emin (ایمن) ۶۱.

۳-۷-۵ ابدال یای معروف اصیل: ureb (اوریب)، meros (میراث)، dalel (دلیل).

۳-۷-۶ ابدال مصوت مرکب اصیل: perost ۶۲ (پیراست)، xele (خیلی)، sel ۶۳ (سیل).

۴ مصوت‌های مرکب

۱-۴ واو پس از فتحه با av نمایش داده می‌شود:
 davron (دوران)، gav (گو)، mav (مو)، mavç (موج)، navrūz (نوروز)، navin (نوین).
 تلفظ: هر گاه پس از av صامت بیاید (یا هیچ نیاید)، /aw/، و هر گاه مصوت بیاید، /av/ خوانده می‌شود ۶۴.

۴-۱-۱ ابدال واو مجهول: avboridan (اوباریدن) ۶۵، savsan (سوسن) ۶۶، savgand (سوگند) ۶۷.

۴-۲ یای پس از فتحه با aj نمایش داده می‌شود: pajdo (پیدا)، kaj (کی)، majdon (میدان)، naj (نی).

۵۵) išon هم می‌نویسند. در پهلوی öyšān/awēšān.

۵۴) در پهلوی: yazad

۵۷) در پهلوی: ēn/im

۵۶) در پهلوی: ēbārag

۵۸) نیز ← ۳-۵-۲. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در واژه‌های عربی شاهد مثال، به جای یای معروف یای مجهول نوشته و تلفظ می‌شود. واضعان املائی تاجیک ظاهراً تلفظ رایج کلمات را اساس کتابت قرار داده‌اند. گویا قاعده مذکور در بند ۳-۷-۳، که نمونه‌های آن در آغاز کلمه بسیار است (← لغت املا، ص ۳۲۲)، عمومیت یافته باشد.

۶۰) در فرهنگ içob هم آمده.

۵۹) در فرهنگ isor هم آمده.

۶۲) در پهلوی: payrāst

۶۱) در فرهنگ ejmin/ejman هم آمده.

۶۳) ولی saji هم می‌نویسند.

۶۵) در پهلوی: öbārdan

۶۴) این مصوت مرکب در فارسی رسمی ایران /ow/ و /ov/ تلفظ می‌شود.

۶۶) در پهلوی: sōsan ۶۷) در پهلوی: sōgand

۱-۲-۴ ابدال یای مجهول: pušajmon (پشیمان)^{۶۸}، najrang (نیرنگ)^{۶۹}، najza (نیزه)^{۷۰}، vajron (ویران)^{۷۱}.

۵ حروف ویژه الفبای سیریلیک

۱-۵ دربارهٔ حرف ɔ در بند ۳-۷ گفت‌وگو شد.

۲-۵ حروف «یات بر سر». در خط سیریلیک تاجیکی سه نشانهٔ ɔ و Я و ь به جای خوشه‌های: jo (یا) و ja (ی) و jǎ (ی / یو) خط لاتینی به کار می‌رود؛ به دو منظور: یکی کوتاه‌نویسی و دیگر مصرف غیرضروری حروف روسی. در سال‌های اخیر، به جای نشانه‌های مذکور، از ترکیبات йа، йо، йў/йу استفاده می‌شود.

۳-۵ نشانهٔ مکث Б^{۷۲} میان صامت ساکن و یای حرکت‌دار می‌آید:

афбюн (افیون)، Бўрбё (بوریا)، Бисбёр (بسیار)، мағбир (تغییر)، макбья (تکیه)، чорбьяк (چاریک)، дарбё (دریا)، рохъёб̄ (راه یابی)، гирья (گریه).

۴-۵ حروف مخصوص کلمات مأخوذ از روسی: Ё (نوعی «ای»)، Ц (ت + س)، Щ (ش + چ).

۶ پیوسته و جدانویسی

پیوسته یا جدا نوشتن کلمات و عبارات موضوعی دامنه‌دار و بحث‌انگیز بوده است. در اینجا فقط به چند نمونهٔ واجد ارزش زبان‌شناختی اشاره می‌شود.

۱-۶ نشانه‌های جمع و مفعول بی‌واسطه همیشه پیوسته نوشته می‌شوند، گویی که نقش پسوندهای تصریف نام (اسم و صفت و ضمیر) را داریند.

۶۸) در پهلوی: pašēmān
۶۹) در پهلوی: nērang
۷۰) در پهلوی: nēzag
۷۱) در پهلوی: awērān
۷۲) در فارسی تاجیکی، به این نشانه «علامت جدایی» می‌گویند. در کلمات مأخوذ از روسی حکم علامت «نرمی» را دارد.

۲-۶ واو عطف، بسته به مقام آن در ترکیب و تا حدودی ترجیح نویسنده، چندگونه کتابت می پذیرد:

Zolu Rūdoba, Xisravu Şirin, Lajliu Majnun va Azrovu Vomiq

(زال و رودابه، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و عذرا و وامق).

۱-۲-۶ از دو ماده فعلی یک کلمه می سازد:

xaridufuruş	(خرید و فروش)
guftuşunid	(گفت و شنید)
girudor	(گیر و دار)

۲-۲-۶ از اجزائی که معنی اصلی خود را در ترکیب حفظ نمی کنند، کلمه واحد می سازد:

sarutan	(سروتن)
sarukor	(سروکار)
sarulibos	(سرولباس)
obutob	(آب و تاب)

۳-۲-۶ ترکیبات مترادف یا متضاد جدا نوشته می شوند:

obu havo	(آب و هوا)	اسمی:
tobu toqat	(تاب و طاقت)	
obu otaş	(آب و آتش)	
xuşobu havo	(خوش آب و هوا)	صفتی:
(بی تاب و طاقت)	betobu toqat	
(سرخ و سفید)	surxu safed	

۳-۶ ترکیبات اسمی یا صفتی. پیوسته نویسی در خط تاجیکی به انسجام ترکیبات کمک می کند. گاه می توان کلمه های بلندی ساخت که غیرطبیعی به نظر نمی رسند. اما، برای سرهم نویسی، محدودیت هایی هم قایل شده اند. اکنون چند نمونه:

۱-۳-۶ اسم مرکب مختوم به ی:

xuşmuomilagi	(خوش معاملگی)
sangiosijotaroşi	(سنگ آسیاتراشی)
zanbūriasalparvari	(زنبور عسل پروری)

۲-۳-۶ صفت مرکب و گروه وصفی

haftodu cor sol-haftoducorsola	(هفتاد و چار ساله)
peş az intixobot-peşazintixoboti	(پیش از انتخاباتی)

۳-۳-۶ ترکیب صفت (مقدم) و موصوف:

xoki sijoh-sijohxok	(سیاه خاک)
gajrisijohxok	(غیر سیاه خاک)
gajrisijohxokzamin	(= زمین غیر سیاه خاک)
hafthazorucorsadsolaustuxon	(= استخوان هفت هزار و چار صد ساله)

۴-۶ فعل و ترکیبات فعلی.

۱-۴-۶ اجزای تصریفی و اکثر پیشوندها پیوسته نوشته می شوند:

boznagaštaed	(باز نگشته اید)
nameomadaast	(نمی آمده است)

۲-۴-۶ صفت فاعلی و مفعولی مرکب از دو کلمه پیوسته و مرکب از بیش از دو کلمه

جدا نوشته می شود:

tamomkunanda	(تمام کننده)
tamomşuda	(تمام شده)
ba ançom rasida	(به انجام رسیده)
içro karda şuda	(اجرا کرده شده)
suporiş doda şuda	(سپارش داده شده)

۳-۴-۶ اجزای عبارت فعلی جدا اما اسم مؤسس بر آن سرهم نوشته می شود:

ba hisob girftan-bahisobgiri	(به حساب گیری)
az bar kardan-azbarkunon	(از برکنان)
az nazar guzarondan-aznazarguzaroni	(از نظر گذرایی)
az nav tartib dodan-aznavtartibdihı	(از نو ترتیب دهی)
dast ba girebon şudan-dastbagirebonşavanda	(دست به گریبان شونده)

جدول ۱. مطابقت نشانه‌های صامت الفبای لاتینی و سیریلیک تاجیکی و فارسی

لاتینی	سیریلیک	فارسی	لاتینی	سیریلیک	فارسی	لاتینی	سیریلیک	فارسی
B	Б	ب	J	Й	ی	S	С	س. ص. ث
C	Ч	چ	K	К	ک	Ş	Щ	ش
Ç	Чh	ج	L	Л	ل	T	Т	ت. ط
D	Д	د	M	М	م	V	В	و
F	Ф	ف	N	Н	ن	X	Х	خ
G	Г	گ	P	П	پ	Z	З	ز. ذ. ض. ظ
	Г	غ	Q	Қ	ق	Z	Ж	ژ

